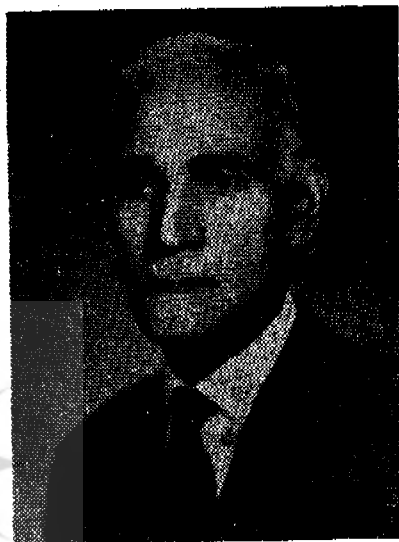
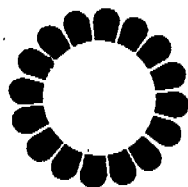


جناب آقای حاج مخبر السلطنه  
 هدایت بیانیه ای صادر کردند  
 و اعلام نمودند نامه ای که برایم  
 میفرستید من بعد عنوانش را  
 اینطور بنویسد :



باقر حکمت

آقای حاکم  
 یا  
 آقای والی



پس از فراغت از تحصیل کتب فارسی و صرف ونحو و معانی و بیان و  
 منطق از کتب صرف میر ، تشریف ، عوامل ، انموزج ، سیوطی ، مفنی ، حاشیه  
 ملا عبدالله و مطول در مطلب پدرم ، مرحوم میرزا عبدالله ملقب به حکیمباشی و  
 مرحوم آقای عبدالحسین فیلسوف و میرزا محمود خان مؤیدالحکما ، مشغول

تحصیل شدم ، در سال هزار و سیصد و بیست و چهار هجری بطهران آمده در دارالفنون وقت که مدرسه طب و مهندسی بود پس از پذیرفته شدن در امتحان ورودی ، در کلاس تشریح از مرحوم دکتر امیر اعلم و دکتر گاله ، در کلاس تاریخ طبیعی و فیزیک از مسیو دانتان و در کلاس شیمی از مسیو اولمرمدت دو سال مشغول تحصیل و کلاس P.C.N را امتحان داده بکلاس بالاتر رفتم . در این بین بدبختانه در تبریز پدرم برحمت ایزدی پیوسته و چون غیر از من فرزندی بزرگی نداشت لهذا مجبوراً به تبریز مراجعت کرده و سرپرستی بازماندگانرا بعهده گرفتم .

برای اینکه بیکار نمانم یکی از دوستان مرا باداره عدلیه وقت رهنمائی کرده رئیس اداره پس از رسیدگی بتحصیلات ومعلومات کتاب فرانسه قانونی بمن داد که ترجمه کنم قریب دوماه بترجمه آن پرداختم و هر روز هر قدر که ترجمه میکردم پیش رئیس میفرستادم ایشان نیز بدون اینکه بگویند کدام کس ترجمه کرده وبدون اینکه اسمی از من ببرند خدمت آقای حاج مخبر السلطنه والی وقت میفرستادند .

چند ماهی بدین ترتیب گذشت لکن هر ماه که از غره بسلیخ میرسید خبری از حقوق من نمیشد یکروز آقای ممتاز که مفتش اداری بودند (اسم کوچکشان را نمیدانم) اتفاقاً باطاق من آمدند عرض کردم آقای ممتاز ما در اداره چه سمتی داریم ایشان نیز بنای تعارف گذاشته فرمودند قانون اداری را شما ترجمه میکنید و قانون گذار شما هستید از من میپرسید؟ گفتم تعارف را کنار بگذاریم حقیقت اینست که در اینمدت برای من دیناری حقوق نرسیده تکلیف چیست؟ گفتند خوبست در اینخصوص نامه ای باآقا یعنی آقای حاج مخبر السلطنه بنویسید و کسب تکلیف نمائید. بنابراین نامه ای نوشته و تکلیف خواستم . آقای حاج مخبر السلطنه در پاسخ چنین مرقوم فرمودند :

معمداً السلطان آقا میرزا باقرخان برطبق قوانین مجلس کسی نمیتواند بدون امتحان وارد ادارات دولتی بشود خوبست شما قوانین مجلس را مطالعه

کرده هر وقت خود را حاضر امتحان دیدید بیائید امتحان بدهید تا برای شما خدمتی معین شود. معلوم شد بطوریکه فوقاً نوشته شده ترجمه ها را هر روز فرستاده و اسمی از مترجمش نبرده و ایشان نمیدانند که من در اداره مشغول خدمتم و ترجمه را من میکنم.

مجدداً نامه‌ای بفرانسه نوشتم باین مضمون: **Monsieur le gouverneur**: (آقای حاکم) مرا فقر و ضرورت وادار نکرده بود که عریضه ای بخدمت نوشته نقاضای شغلی بکنم ، بلکه مدتیست که در عدلیه مشغول خدمتم و ترجمه‌هایی که همه روزه بخدمت میفرستند، از بنده است البته مطالعه آنها برای معلومات بنده گواهی است بین ، مهذا از همین امروز حاضر امتحان بدهم هر روز را معین میفرمائید ، شرفیاب شده امتحان بدهم .

در تعقیب این نامه آقای مخبر السلطنه بیانیه ای منتشر کرده و در آن اعلام کردند کسانی که مرا نامه مینویسند ، از نوشتن القاب خودداری نمایند و عنوان نامه را اینطور بنویسند:

آقای حاکم یا آقای والی . دو روز بعد از آن در اطاق خود نشسته مشغول ترجمه بودم ، ناگاه شخص محترمی وارد شده پس از قدری صحبت پرسیدند آقا این چه کتابیست گفتم کتاب حقوق و قانون که ترجمه میکنم ، گفتند ممکن است خواهش کنم یکی دو صفحه از آن بخوانید و بفارسی ترجمه کنید من نیز مستفیض بشوم ، گفتم با کمال امتنان ، کتاب را دادم نگاه کرده صفحه ایرا نشان دادند که این صفحه را بخوانید و ترجمه کنید ببینم چه می نویسید ، سه صفحه حضوراً خوانده و ترجمه کردم گفتند ببخشید خیلی ممنونم بعد از کمی برخاسته خدا حافظی کرده رفتند بعداً معلوم شد که این شخص آقای ایرج میرزا است که همراه آقای حاج مخبر السلطنه آمده و صاحب ایشانند و بطور مخفی برای امتحان من فرستاده اند . دو روز بعد از آن حکمی صادر شده و مرا بسمت رئیس بدایت اول معین کردند.

تا آن وقت تمام دعاوی را شخص رئیس رسبدگی میکردند در تعقیب

*Avant-propos*

Les iraniens ont été, comme l'atteste l'histoire, depuis de longs siècles pacifiques. Ils ont, toujours, haï la guerre et l'ont regardée comme un fléau dévastateur de sociétés humaines.

Ils ont, constamment, gardé la paix avec tous les États, même avec tout le monde. Nous souhaitons, aussi, la paix mondiale, du fond de notre cœur et espérons qu'elle règnera dans le monde entier.

L'un de nos poètes, Abolfakh Busti, conseille, dans ses poésies iraniennes, à la paix que j'ai traduite en français et vérifiée comme suit:

Regardez S. V. P. à la page opposée.

Conseils, attentivement, mon conseil et obéis  
 Il ne se profita de conseil que ce qui l'obéit  
 Esprit de la paix, son compatriote à tout  
 C'est par la complicité que en devient estomac par tout  
 C'est par la paix, les combats, les de guerre abominable  
 Il n'est pas convenable de guerroyer tout ce qui a un caractère  
 Il n'est pas permis de s'emparer tout ce qui a un caractère.

این حکم صاحبان دعوا  
 باطابق من می آمدند  
 رسیدگی کرده باطاقهائی  
 که قسمت کرده و نسبت  
 بدعاوی معین کرده بودند  
 میفرستادم . چندی  
 نگذشت که در طهران  
 مجلس بتوب استبداد  
 بسته شده اوضاع درهمه جا

از هم پاشیده شد در تبریز نیز آشفتنگی زیاد بهم رسید و بتحریرك اجانب دعواي مشروطه و استبداد بمیان آمد عدلیه و ادارات دیگر و مدارس تعطیل گردید و آقای حاج مخبر السلطنه بطهران احضار شدند .

برادری داشتم که شاگرد مدرسه بود بملاحظه اینکه این تعطیل موجب عقب ماندگی او نشود ، درسش را در منزل رسیدگی میکردم . چند نفر از دوستان اطلاع یافتند که اخوی در منزل نزد من درس میخواند آمده گفتند بنده